

الگوی خدمت از کربلا تا مشهد

گروه جامعه



این روزها در کشور عراق تادلتان بخواهد موکب برپا شده است و مردم با جان و دل از زوار امام حسین^(ع) پذیرایی می کنند، قدم به قدم، خانه به خانه، روستا به روستا. آمارشان آن قدر بالاست که شمارش را کسی نمی داند، خود عراقی ها بارها به زبان آورده اند: «الف الف» یعنی هزار هزار. آنجا پیر و جوان حتی کودکان به استقبالان می آیندو سدر اهتان می شوند تا برای لحظاتی هر چند کوتاه میهمانشان شوی. افتخار می کنند که میزبان زائرانی هستند که برای زیارت راهی کشورشان شده اند. کارهایشان آن قدر به دل زوار نشست که هر جامی نشینند از فرهنگ میزبانی شان سخن می گویند. در این گزارش با چند نفر از زائران مشهدی که اکنون در مسیر راهپیمایی نجف به کربلا هستند هم کلام شدیم و با آن ها از فرهنگ میزبانی عراق و آنچه باید در دهه آخر صفر در مشهد اتفاق بیفتد گفت و گو کردیم که در ادامه می خوانید.

آداب میزبانی به سبک اربعین



واژ تو می خواهند با استحمام خستگی ات رادر کنی. تا از حمام بیرون می آبی می بینی، لباس های تو را شسته اند، خشک کرده اند. اتو زده اند و گذاشته اند در مقابلی. می بینی رفته اند یاد گرفته اند غذاهایی را که ما ایرانی ها دوست داریم. به همان سبکی می پزند که فهمیده اند مورد پسند ماست، در حالی که قدیم ها این طور نبود و پذیرایی شان را مطابق فرهنگ و ذائقه خودشان انجام می دادند. در خانه تنور می گذارند و نان می پزند تا صبح همراه صبحانه نان تازه بدهند دست زائر امام حسین^(ع). دشمن گرم با این همه خلوص نیتشان.»

واژ معامله ای می گوید که طرف حساب آن خود امام رضا^(ع) است. برنامه دارد برای بازگشت به مشهد و اثبات علاقه اش به حضرت، اینکه به آقا بگوید چون شما رادوست دارم، کسی راهم که می آید به زیارتان دوست دارم و برایش فلان کارها را انجام می دهم.

او برای پذیرایی از زوار عراقی امام رضا^(ع) اشتیاق مضاعف دارد. تا برایشان همانی باشد که سال هاست در پیاده روی اربعین می بیند. مثلاً برایشان چای عراقی آماده کند و غذاهایی را جلوشان بگذارد که می داند دوست دارند. اسم این ها را می گذارد حداقل هایی برای به یادگار گذاشتن یک خاطره هیچ نگویم؟

محمدهادی به این سؤالات فکر می کند

شهامت | همشهری مشهدی مان خودش رامحمدهادی خلیل زاده ۳۷ساله و دارای لیسانس معرفی می کند، یک دل باخته قدیمی امام حسین^(ع) که امسال برای بار نمی داند چندم رخصت حضور در وادی کربلا را گرفته است. از ادب میزبانی عراقی ها در ارتباط با زوار ایرانی پرسیده ایم و او برای گفتن مصادیق اخلاص آن ها مشتاق است. «قدیم ها که می رفتم پیاده روی اربعین، شاید چهل پنجاه درصد از عراقی ها به خوبی پذیرای زوار بودند. الان برآورد من ۹۵ درصد است. ایرانی ها رادوست دارند و به خاطر امام حسین^(ع) هر کاری بتوانند می کنند. یعنی هر چه دارند به خاطر امام حسین^(ع) کف دست می گذارند و می گویند: بفرمایید. بسم.....»

او رشد فرهنگ میزبانی را در ملت عراق عینی تر توضیح می دهد و می گوید: یک دهه پیش در مسیر پیاده روی، هر ۱۰ ستون یکی از اهالی عراق به سرآمدن می آمد و می گفت بیا برویم خانه ام ولی الان به هر ستون که می رسی ۱۰ نفر تقاضای میزبانی می دهند و مشتاق اند برای پذیرایی از زائر آقا امام حسین^(ع)، شده در حد یک وعده غذا. محمدهادی چیزهای زیادی در ذهن ثبت کرده است از مهربانی ناتمام میزبانانش در این سفرها. می گوید به جانش نشسته است، چون آن ها با جان و دل انجام داده اند و اصلا به خاطر همین عشق مشترک است که چای تلخ و داغ عراقی هم در هوای ۵۰ درجه و شرجی این روزهای عراق می چسبد. «می روی خانه شان

سنگ تمام عراقی ها برای مسافران اربعین

از مرز عبور کردیم.

«از همان لحظه ورود حس غربت و غریبی ندارید. انگار منتظر شما بوده اند. بابا آب و جای و شربتی خنک در همان بدو ورود پذیرایی می کنند.» این گفته های رنگ آمیز برای لحظه های ابتدایی عبور از مرز است: بعد از عبور از مرز اولین چیزی که همه در پی آن هستند پیدا کردن وسیله ای است تا خودشان را به نجف برسانند و از آنجا راهی کربلا شوند.

رنگ آمیز میزبانی خواهرانه و بردارانه عراقی ها را از نقاط قوت برمی شمارد. برای نقطه ضعف هم دست روی سیستم ها و ساختارهای دولتی که هنوز در این کشور لنگ می زند، می گذارد. رنگ آمیز ابتدای صحبتش با نقطه ضعف است. البته قبل بیان روایت تأکید می کند: نقطه ضعفی که به آن اشاره می کنم هیچ ارتباطی به روی خوش و آغوش گشاده عرب ها برای استقبال از ایرانی ها ندارد. مشکل به ضعف دولت عراق برمی گردد. همان طور که گفتیم بعد از عبور از مرز نیاز اول زائران پیدا کردن وسیله ای برای رسیدن به نجف بود.

با این حال حمل و نقل عراق بسیار ضعیف است و در برابر این سیل جمعیت می توان با جدیت گفت که حمل و نقل عراق کم آورد. وسایل حملی نقلی کم بود. همان تعداد کم نیز از نظر امکانات، در شرایط حداقلی است.

خیلی از زائران مجبور شدند که برای رسیدن به نجف به صورت فشرده سوار یک وسیله شوند و این فشردگی جمعیت برای بانوان آزاردهنده بود.

اما توضیحات او برای نقطه قوت میزانی عراقی ها این گونه است: مردم عراق خالصانه هر آنچه که دارند در طبق اخلاص

جاوید | محمدرضا سعادت ی یکی از فعالان فرهنگی و رسانه ای مشهد است. امام حسین^(ع) او را برای دومین مرتبه به این سفر زیارتی طلبیده است. سؤالاتمان را برایش ارسال می کنیم و او نیمه شب در حالی که نفس زنان مشغول پیاده روی مسیر نجف به کربلاست از میزبانی خوب اهالی عراق برایمان این طور می گوید: چیزی که در این دو مرتبه پیاده روی توجهم را به خودش جلب کرده میزبانی خوب عراقی ها از زائران است. آن ها با تمام وجود دنبال رضایت زائر هستند. هر کاری



خادمان امروز، کودکان دیروز



در مشهد توقعات به سمت حاکمیت رفته است و اینکه باید شهرداری، آستان قدس و... خدمت به زوار را انجام بدهند. در حالی که در عراق، حد اکثر کاری که حاکمیت چندپاره انجام می دهد، تسهیل صدور ویزا و حفظ امنیت است. بماند که بخش زیادی از امنیت کنونی باز هم بر عهده نیروهای بسیج مردمی عراق یا همان حشد الشعبی است.

او دلگیر است از نگاه های مخربی که تحلیل خدمت خالصانه میزبانان عراقی را نشانه رفته است، نگاه هایی که گاه از سوی برخی افراد ناسپاس و ناتوان از تشکر کردن مطرح می شود. ناصر یکی از راهکارهای فرهنگ سازی و به اقلیت کشاندن بیش از پیش چنین دیدگاه هایی را برقراری ارتباط فرهنگی بین دو ملت می داند و به دو نمونه از دستاوردهای آن اشاره می کند: یکی بهبود وضعیت خدمات بهداشتی ارائه شده به زوار اربعین از سوی میزبانان عراقی و دیگری رونق خدمات مردمی به زائران دهه آخر صفر، به ویژه در مشهد.

راه حضرت نشان می دهند، او روی واقعیت ناخوشایندی انگشت می گذارد که همه ما کمابیش به آن واقفیم. «متأسفانه ما معمولاً در مشهد به این چشم به زائر نگاه نمی کنیم. تأکید بیش از حد بر ادبیات اقتصاد گردشگری و نگاه توریست گونه به زائر باعث شده است که زائر را به عنوان یک منبع درآمد برای شهر ببینیم. فرهنگ یک عنصر یکپارچه است و وقتی نگاه اقتصادی صرف به زائر در مدیران پر رنگ می شود، سرریز آن را بین مردم هم مشاهده می کنیم.» ناصر با اطمینان اضافه می کند: اگر می خواهیم میزبان خوبی باشیم برای زائر امام رضا^(ع) به صورت عام و در دهه آخر صفر به صورت خاص، اولین نکته این است که رضایت امام^(ع) را در رضایت زائر امام^(ع) ببینیم. اینجا در عراق نمونه هایش را زیاد می بینیم که اجابت دعا هایشان را در رضایت زائر امام حسین^(ع) می بینند و حتی خاک پای زائر را تبرک می دانند.

البته از قلم نمی اندازد که عراقی هایی هم هستند که سب و کارشان را بر خدمت ترجیح می دهند، نگاه هایی که مشابهش را در مشهد خودمان هم می بینیم. با این حال تأکید می کند وقتی حجم زوار از خدمات ارائه شده بیشتر می شود، رویکرد باید خدمت رسانی صرف باشد و این هدف، جز با فرهنگی که باید پیشتر از این ها در ذهن ها نشسته باشد، به دست نمی آید. به زوار اربعین بین فرهنگ مردم مشهد و عراقی ها راسطح توقعات مردم از حاکمیت می داند و با قید «متأسفانه» می گوید:

شهامت | «می خواستند بروند موکب خدمت کنند و وقت نداشتند پیش ما بمانند. کلید خانه شخصی شان را به من و همسرم دادند و رفتند. این یعنی اطمینان ۱۰۰ درصد به زائر امام حسین^(ع)، ناصر با گستتانی از میان همه خاطرات زیارت اربعین و خدمت خالصانه میزبانان عراقی، این یک مورد را به عنوان مشتی نمونه خروار بازگو می کند. او ۳۱ساله است و اقتصاد را تا مقطع کارشناسی ارشد خوانده است. برای یک اقتصاد خوانده تشخیص رفتارهایی که با حساب و کتاب های دودوتا چهارتایی انجام می شود کار سختی نیست، همین طور رفتارهایی که بابتی فراتر از مادیات انجام می شود. ناصر درباره این دست رفتارهای مردمان عراق به نکته های ظریفی اشاره می کند. نکته هایی که اگر به آن ها توجه نشود، درک رفتارهای میزبانان زوار اربعین، سخت می شود.

میزبانان زوار اربعین، ناصرتوجه نشود، درک رفتارهای میزبانان زوار اربعین، سخت می شود. مشارکتشان در خدمت به زوار را مثال می زند. آن هایی که توفیق شرکت در این پیاده روی را داشته اند، بارها این تجربیات را لمس کرده و حظ برده اند. «بزرگ سالان عراقی که امروز به زائر امام حسین^(ع) خدمت می کنند، همان کودکان دیروز هستند که با فرهنگ خدمت بزرگ شده اند. شعارشان این است که «خدمه ل زوار الحسین^(ع) شرف لنا، اینکه می بینید شرافتشان را در خدمت به زوار می بینند یک دلایل این است که طرف حسایشان را زائران نمی بینند بلکه امام می بینند و با این کار دارند ارادتهان

ادعای کنیم اما تلاش ها اندک است



قرار بدهند که خدمت رسانی به خیل عظیم زائران پیاده همانجا انجام شود. از همین حالا شروع کنیم که تا چند سال دیگر مانند امروز اربعین باشیم. او البته براساس تجربه خدمت رسانی خانه به خانه در کربلا و نجف، روشی را برای مشهدی ها ارائه کرده است: شهروندان زیادی علاقه دارند خانه هایشان را در اختیار زائران بگذارند. ای کاش مرکز یانه های متولی باشد که صاحب خانه ها را ثبت نام کند و از طرف دیگر آدرس و مکان را در دست زائران پیاده بگذارد. اگر نهادی متولی باشد، مردم با جان و دل خدمت می کنند. آخر کلامش از سه شبی می گوید که خوابیده و مشغول کارهای زائران در عراق بوده ام هنوز سؤالات زیادی درباره نحوه پذیرایی از مهمانان مشهدی در ذهنش است و سخنانش را این گونه پایان می دهد: باید تصمیم بگیریم روی فرهنگ میزبانی کار کنیم. شهرهای کوچک کربلا و نجف از ۲۰ میلیون زائر پذیرایی می کنند. اگر همین تعداد در مدت یک روز شهادت امام رضا^(ع) وارد مشهد شوند، چه خواهیم کرد؟ آن هم در شهری که در مقایسه با آنجا همه امکانات ارادار.

می دهد: ما مسئولیم که روزی پاسخگوی مهمانان امام رضا^(ع) باشیم. آن سال ها بیاتعداد اندکی جوان دل سوز کار را آغاز کردیم. سال اول فقط یک دیگ آش بود اما هر سال یک دیگ دیگر اضافه شد. استقبال جوانان هم برای خدمت هر سال بیشتر شد. هر سال موکب را در تپه سلام راه می انداختیم که نسبت به جاده های دیگر خلوت تر بود. خدا را شکر امسال موکب خود را روبه روی روستای ناظریه در ۱۷ کیلومتری مشهد برپا خواهیم کرد.

موکبشان از روز اول مهر تا روز شهادت امام رضا^(ع) به راه است. صبحانه، نهار و شام زائران با آن هاست و همه تلاششان شور و شوق دادن به خدمت است که همه جاده ها پر شود از میزبانان مشهدی. اوبخشی از سخنانش را با انتقاد از مسئولان بیان می کند: سنگ اندازی برای صدور مجوز و مراحل دیگر خدمت به زائران در مشهد کم نیست. یعنی نسبت به زائران امام رضا^(ع) کم لطفی می کنیم. ادعای کنیم اما میزان تلاش ها بسیار اندک است. «مسئولان ما در شهرداری و شورای شهر، حد فاصل پایانه تا خیابان امام رضا^(ع) را برای خدمت رسانی ایام شهادت پوشش می دهند، در حالی که آنجا زائر پیاده نیست و مناطق مرفهی است که همه امکاناتشان فراهم شده است. لازم است جاده ها را تحت پوشش قرار بدهید که نه موکب کافی دارند، نه امکانات بهداشتی.»

وحدی ثانی پیشنهادی را که به مسئولان ارائه کرده است دوباره مطرح می کند:

موکب در شهر فایده چندانی ندارد، آن هم در حاشیه شهر. به مسئولان پیشنهاد کرده بودم سازه هایی در مسیر جاده ها

جاوید | شاید تعداد آدم های شبیه او به تعداد انگشت های دست هم نرسد، آن ها که در سن ۳۸ سالگی دهه بار توفیق زیارت قبور ائمه کربلا و نجف^(ع) نصیبشان شده است، عددی که از دهان محمدرضا وحیدی ثانی خارج می شود. ۲۰ مرتبه است، چند و چون جزئیات زیارت خاک عراق را مانند کف دستش بلد است. سال های سال هم موکب دار بوده هم زائر و قاضی خوبی است برای قضاوت میان پذیرایی عراقی ها و خوشامدگویی مشهدی ها در ایام شهادت امام رضا^(ع). اول از همه می رود سراغ برداشت های نادرست و می گوید: برخی رسانه ها آن قدر کمبوده های موجود در عراق را بزرگ جلوه می دهد که منصفانه نیست: از آب و برق تا غذا و وسیله نقلیه را زیر سؤال می برند، در حالی که نمونه عینی اش ما هستیم. از مرز جذابه وارد عراق شدیم با پذیرایی های بسیار عالی. تادلتان بخواهد خودرو بود. حتی در مسیر هم راننده ها مقابل پیمان توقف می کردند و اصرار داشتند که «اگر نیایید و نگذارید ما از شما پذیرایی کنیم، نمی گذاریم راهی شوید.» از همه زوار و نه تنها ایرانی ها عجیب پذیرایی می کنند. آن قدر که به زبان آوردنش سخت است.

ادامه صحبتش را دوباره از نمونه پذیرایی مردمان عراق پی می گیرد: از سال ها پیش وقتی می دیدم مردم عراق نان کافی برای خوردن ندارند اما یک سال کار می کنند که غذای مقابل زائر امام حسین^(ع) بگذارند از خود می پرسیدم ما برای زوار امام رضا^(ع) چه می کنیم؟ همان زمان بود که تصمیم گرفت موکب داری زوار امام رضا^(ع) را درست بگیرد، از ۱۵ سال پیش. محمدرضا ادامه

مشهد کربلا شود

بگذارم. او پیشنهادی برای دهه آخر صفر و میزبانی از زائران امام رضا^(ع) دارد. «برای میزبانی از زائران امام مهربانی ها، از رحلت حضرت رسول^(ص) یعنی از ۲۸ صفر تا شهادت امام رضا^(ع) سه روز مردم مشهد همچون عراقی ها به زائران خدمت رسانی کنند و این



خودشان هستند اما همان ها هم در فرصتی یک خدمت رایگان انجام می دهند. این خط مرز باید معلوم باشد که عده ای که شغلشان همین است ضرر مالی نکنند اما از آن طرف هم خدمت کنند. اکنون همه خودروهای بین راهی عراق کرایه می گیرند. عده ای از آن ها هم برای گرفتن دستمزد ها بی انصافی می کنند اما عده دیگری منصف هستند. زائر مشهد هم باید به این درک برسد که بخشی از فضا اقتصادی است و بخشی عام المنفعه و میزبانی.